

دادگاهی محمد رسول الله به اتهام زن ستیزی

منتشر شده توسط زندیق www.zandiq.com
آدرس اینترنتی: <http://www.zandiq.com/articles/0000000117.shtml>
آخرین ویرایش: 14-03-2009 ایجاد نوشتار: 15-09-2007 تاریخ امروز بر اساس تاریخ مرورگر: 20-01-2011
دسته بندی شده در: [اسلام و اسلام ستیزی](#) [زنان](#) نگارنده (گان): [دکتر علی سینا](#)

بخش هشتم، زن ستیزی

پیشگفتار

بخش نخست - ترور و آدم‌کشی

بخش دوم - دین و اخلاق

بخش سوم - تجاوز 1

بخش چهارم - تجاوز 2

فهرست:

پیشگفتار

جایگاه زنان عرب پیش از اسلام.

حجاب توسط عمر پیشنهاد شده بود و الله آنرا قبول کرد.

مردان نگاهبان زنان هستند و بر آنها برتر هستند.

مردان میتوانند زنانشان را کتک بزنند.

نقصهای زنان.

زنان برای مردان آفریده شده اند.

زنانی که به سکس میل نداشته باشند توسط الله و فرشتگان لعنت میشوند.

زنان آلت تناسلی هستند؟؟!

زنان از حقوق کمتری برخوردار هستند.

زنان کمتر ارث میبرند.

نظر محمد در مورد زنان.

زنان بالارته.

کشتن نوزادان دختر.

خدا و دختران؟ بدون شک یک تقسیم غیر عادلانه!

تحقیرهای شرم آور دیگر در مورد زنان.

یک زن خوب.

نتیجه گیری.

منابع.

این دادگاه بسیار ع قب افتاده دین اسلام است و افراد زیر در این دادگاه حضور دارند

متهم: محمد ابن عبدالله

شالی: انسانیت (قسمت غیر مسلمان آن)

دادستان: علی سینا

و لیل مدافع: [راهیل شهرزاد](#) (هرلس دیگری نیز میتواند از او دفاع کند، برای دفاع از محمد [اینجا](#) را کلیک کنید).

دادگاه: در افکار عمومی

قاضی: شما

پیشگفتار.

در این جلسه، اتهامی که به متهم وارد میشود زن ستیزی (= Misogyny میساجنی) است. من او را به این متهم میانم که او زنان را تحقیر کرد و زنان قبل از او در عربستان و تقریباً در تمام کشورهای اسلامی تسلیم سلطه اسلام شدند، از آزادیها و حقوق بیشتری نسبت به جامعه ای که او پدید آورد برخوردار بودند. اتهام متهم این نیست که او حقوق کمی به زنان داده است بلکه این است که او حقوقی که زنان بدست آورده بودند را از آنها گرفت و آنها را به شهروندان درجه دوم تبدیل کرد و آنها را تابع مردان کرد و آنها را به خدمت مردان در آورد. او برده داری جنسی را بر زنان تحمیل کرد و جایگاه آنها را به حد جایگاه احشام و حیوانات پایین آورد. در هیچ جامعه ای و در هیچ زمانی از تاریخ زنان به اندازه ای که در اسلام تحقیر و خوار شده اند، مورد ظلم قرار نگرفته اند. اسلام دینی زن ستیز است و در زن ستیزی را به بی نهایت رسانیده است.

جایگاه زنان عرب پیش از اسلام.

متأسفانه مسلمانان هیچ اثری از ادبیات پیشا اسلامی عربستان باقی نگذاشته اند. آن دوران توسط مسلمانان بعنوان جاهلیت (دوران نادانی) مطرود شده است. آنها تمام کتابها را سوزاندند و تمام آثار تاریخ اعراب را از بین بردند، بنابراین آسان نیست که حقیقت آن دوران را دریافت و از جایگاه دقیق زنان در جامعه پیشا اسلامی عربستان آگاه شد. ما تنها منابع اسلامی را برای استناد در دسترس داریم. حتی از این منابع نیز نور کم سویی را میتوان مشاهده کرد و دریافت که زنان پیش از اسلام از حقوق بیشتری نسبت به دوران پس از اسلام برخوردار بودند.

اجازه بدهید با خدیجه نخستین زن محمد آغاز کنیم. این زن بیوه بود، او ثروتمند بود و تجارت موفق خود را داشت. او مردانی را که محمد یالی از آنها بود استخدام میکرد تا برایش کار کنند. این نشان میدهد که زنان اموال خود را داشتند و میتوانند تجارت های خود را مدیریت کنند، و مردان قریش تصور نمیکردند که کار کردن برای یک زن که رئیس آنها است شرم آور است. با توجه به آنچه احادیث نشان میدهند، این خدیجه بود که از محمد خواستگاری کرد. این نیز نشان دیگری از آزادی است که زنان پیش از اسلام در عربستان داشتند، حتی امروز نیز چنین حرارتی در برخی جوامع تابو و ناپسند جلوه میکند.

یک نمونه دیگر که نشان میدهد زنان در دوران پیشا اسلامی از حقوق بیشتر و احترام بیشتری برخوردار بودند، هنده زن ابو سفیان عموزاده و دشمن اصلی محمد است. گزارش شده است که در جنگ احد او زنان قریش را در حالی که مردان قریش را تشویق میکردند تا علیه تجاوز مسلمانان استقامت کنند رهبری میکرد. و قتی که جنگ بالا گرفت، زنان قریش به رهبری هند، پهلها را به صدا در می آوردند تا مردانشان را به مقاومت تشویق کنند. یالی از جنگجویان محمد [ابو دجنه](#) گفت "من لسی را دیدم که دشمن را با فریادهای بلندش تشویق میکرد، پس من به سمت او رفتم، اما وقتی که شمشیرم را بر روی او بلند کردم جیغ کشید و فهمیدم که او یک زن است، من برای شمشیر پیامبر بیش از آن احترام قائل بودم که بخواهم آنرا بر روی زنی بزنم، این زن هند بود." (1)

زن دیگری که در جنگ فرماندهی میکرد عایشه زن پسر محمد بود که پس از مرگ او، ارتشی از مردان مسلمان را علیه علی رهبری میکرد. این جنگ به جنگ جمل (شتر مو قرمز) معروف است.

مثال دیگری همچون وجود دارد و آن [عصماء بنت مروان](#) شاعره یهودی مدینه است که به دستور مستقیم متهم ترور شد. زیرا چالامه هایی اعتراضی و توهین آمیز را علیه متهم سروده بود. این واقعیت که متهم آنقدر از اشعار عصماء ترس داشت که او را تهدیدی برای ادامه کار خود میدید و دستور قتل او را تنها به دلیل اشعار او صادر کرد نیز نشان میدهد که اعراب در عربستان برای زنان و حرفشان احترام قائل بودند، به آن ها گوش میدادند و تحت تاثیر حرفهای آنان قرار میگرفتند. این ماجرا نشان میدهد که زنان در آن دوران به عنوان نادان و لسانه که در علقه ناقص هستند، آنگونه که بیس از اسلام به شمار رفتند، به

شمار نمیرفتند، بلکه آنها رهبران فلهی جامعه و اعضای مهم اجتماع بودند.

مثال درخشان دیگری لله از جایگاه بلند زنان در دوران پیدایش اسلامی وجود دارد مثال زنی است لله در زمان محمد ادعای پیامبری لرد و طرفداران بسیاری را نیز بدست آورد. امروز لله زن مسلمان حتی نمیتواند لله روحانی یا لله امام شود. متأسفانه با للهال شکفتی زنان مسلمان امروزه نخستین للهسانی هستند لله لله از جایگاه حقیرشان در اسلام دفاع میالند و تحقیری را لله اسلام بر آنها تحمیل لرده است میپذیرند.

دادستان حدیثی را نشان میدهد لله، بیان میلند یلی از صحابه محمد، عمر ابن خطاب لله بعدها خلیفه دوم اسلام شد، به محمد در مورد "عادات بد" آزادی و استقلال زنان مدینه لله زنان مسلمان نیز دارند آنها را می آموزند شلایت میلند و از او میخواهد لله در این مورد للهاری بلند. این ماجرا و قتی اتفاق افتاد لله رسوایی تماس جنسی محمد با ماریه قبلی، لتیز زنش حفصه پیدش آمده بود و او با زنازش درگیر شده بود زیرا آنها از بی بند و باری او شلوه داشتند و او تهدید به طلاق آنها لرده بود (در مورد این رسوایی به نوشتاری با فرنام [محمد ماریه و حفصه](#)، [ماریه قبلی شانزدهمین زن در زندگی محمد](#) مراجعه لتید). او در خانه نشسته بود و ناراحت بود، و در این حال عمر وارد میشود. عمر بعدها نفل لرده است لله:

ما مردان قریش، بر روی زنانمان تسلط داشتیم، اما و قتی لله اینجا آمدیم و با انصار (مسلمانان مدینه) زندگی لردیم، فهمیدیم لله زنان انصار از درجه این بالاتر نسبت به مردانشان برخوردار هستند، پس زنان ما آغاز به دریافت عاداتهای رفتاری زنان انصاری لردند. للهبار من بر سر زنم فریاد لتشیدم و او نیز همزمان بر سر من فریاد لتشید و من از این حرالت او بسیار بدم آمد لله او جلوی روی من ایستاد. او گفت لله چرا از اینله من پاسخت را همانند خودت دادم دلگیر شدی؟ به الله سوگند زنان پیامبر نیز در روی او می ایستند و پاسخ او را میدهند، و برخی از آنها مملن است تمام روز پاسخ او را ندهند و با او از روی قهر سخن نگویند. آنچه او گفت مرا ترساند و من به او گفتم "هر لاس در میان آنها (زنان محمد) چنین لند، دچار خسران فراوانی خواهد شد". بعد من لباس پوشیدم و به نزد حفصه (دختر عمر لله زن پیامبر بود) رفتم و از او پرسیدم "آیا هیچ لدام از شما (زنان محمد) رسول الله را تا شبهنگام عصبانی نگاه میدارید،؟" او پاسخ مثبت داد. من گفتم "چنین زنی بسیار زیانلار است، و هرگز موفق نخواهد شد. آیا او نمیترسد لله پیامبر خدا غضب لند و این غضب خشم الله را نیز برانگیزد و او به شدت تنبیه شود؟ از رسول الله چیزهای زیادی را نخواهید و در روی او به هیچ عنوان نایستید، و با او قهر نلتید. هرچه میخواهید از من تقاضا لتید، از رفتار همسایه تان (عایشه) در رفتارش با محمد تقید نلتید زیرا عایشه از شما زیباتر است، و پیامبر او را بیشتر از همه شما دوست میدارد...

پس من بر پیامبر وارد شدم و او را در حالی لله بر روی حصیری لله پوشیده نبود دراز لتشیده بود و جای حصیر روی بدن پیامبر مانده بود دیدم، او بر پشتی لله با برگهای نخل پر شده بود تالیه زده بود. من به او سلام لردم و در هنگامی لله ایستاده بودم به او گفتم: "آیا زنانیت را طلاق داده ای؟" او چشمانش را به سوی من گرفت و پاسخی منفی داد، و من در حالی لله ایستاده بودم با اعتراض گفتم "ای رسول الله آیا بدانچه من میگویم اعتنایی میالتی؟ **ما مردم قریش دست بالایی بر دست زنانمان داشتیم و بعد به نزد للهسانی آمدیم لله زنانشان دست بالای مردانشان دارند...**"

سپس عمر جریان خود و زنش را تعریف لرد. "**پیامبر لبخند زد**، "عمر سپس گفت "من سپس گفتم، لله پیدش حفصه رفته ام و به او گفته ام "وسوسه نشوید لله رفتار عایشه را در برابر پیامبر پیروی لتید، زیرا او زیباتر از شماها است و پیامبر او را بیشتر دوست دارد،" **پیامبر دوباره لبخند زد. (2)**

حدیث بالا خود را توضیح میدهد. ملایان از سایر اعراب متحجر تر بودند. معمولاً مردمی لله در شهرهای مذهبی زندگی میالند تندروتر و زن ستیز تر از مردمی هستند لله در شهرهای المتر مذهبی زندگی میالند، اگرچه مردم همه مانند یالدیگر فالر نمیالند، در برخی از جوامع برخی از مردم متعصب تر و تندرو تر از دیگران هستند، ظاهراً محمد و عمر نسبت به سایر افراد ملله، عقب مانده تر، متحجر تر و مغز بسته تر بوده اند. به عبارت دیگر این دو مرد متعصب ترین و متحجرترین متعصبان و متحجران بودند. در حالی لله سایر مردان ملله با بشاش بودن و جایگاه بالای زنان مشللی نداشتند و قبول داشتند لله زنان میتوانند تجارت خود را داشته باشند، این دو مرد گمان میلرند آزادی زن بیجهت است و انحرافی است لله باید اصلاح گردد.

حجاب توسط عمر پیشنهاد شده بود و الله آنرا قبول لرد.

محمد از این‌لله مردان جوانتر چشم بد به زنان زیبا و جوان او داشته باشند و دستی به سر و روی آنها بکشند هراس داشت ،به آنها دستور داد لله خود را بی‌پوشانند و مسلماً مانند همیشه او خواست خود را با یلا وحی تحق میبخشید.

سوره احزاب آیه 59

يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لِّأَزْوَاجِكَ وَبَنَاتِكَ وَنِسَاءِ الْمُؤْمِنِينَ يُدْنِينَ عَلَيْهِنَّ مِنْ جَلَابِيبِهِنَّ ذَٰلِكَ أَدْنَىٰ أَنْ يُعْرَفْنَ فَلَا يُؤْذَيْنَ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا.

ای پیامبر ، به زنان و دختران خود و زنان مؤمنان بگو لله چادر خود را ،برخود فروپوشند این مناسب تر است ، تا شناخته شوند و مورد آزار واقع نگردند و خدا آمرزنده و مهربان است.

عمر توضیح میدهد لله آیه بالا ،بواسطه اصرار او "نازل" شده است.

از عمر نقل شده است:

خداوند در سه مورد با من موافقت کرد.

1. من گفتم یا رسول الله ،ایلاش ما مقام ابراهیم را مصلی خود قرار دهیم و در آنجا نماز بخوانیم. پس آیه نازل شد لله "مقام ابراهیم را، نمازگاه خویش گیرید" سوره بقره آیه 125.

2. و در مورد آیه ای لله میگوید زنان باید چادر سر کنند ،من گفتم ،ای رسول الله ،ایلاش به زنان خود دستور بدهی لله خودشان را در مقابل مردان بی‌پوشانند ،زیرا مردان خوب و بد با آنها صحبت می‌کنند. بنابر این آیه ای لله دستور میدهد زنان چادر سر کنند نازل شد ،سوره احزاب آیه 59.

3. یلبار زنان پیامبر در مقابل او متحد شده بودند و من به آنها گفتم ،اگر پیامبر شما را طلاق دهد الله زنان بهتری از شما به او خواهد داد، پس این آیه نیز نازل شد ،سوره تحریم آیه 5. (3)

عجیب به نظر میرسد لله خالق این لائانات ،برای این‌لله بخواهد قانونی را برای بشریت وضع کند به پیشنهاد یلی از مخلوقین خود نیاز داشته باشد. عمر بگونه ای نابخردانه به خود میبالد لله خدا با او در این موارد هم‌فکر بوده است. اما تمامی اطرافیان محمد به اندازه عمر احمق نبودند. [عبدالله این سرج](#) یلی از لاتبان وحی محمد ،بسیار باهوشتر از این حرفها بود. او محمد را و اسلام را پس از این‌لله فهمید الله سخنانش را و وحی اش را را تغییر میدهد و وقتی او به محمد پیشنهاد تغییر آیه ای را میدهد محمد نیز آنرا قبول می‌کند تر کرد. البته این ماجرا ،موضوعی دیگری است. چیزی لله در این ماجرا برای ما جالب است این است لله زنان پیش از اسلام مجبور نبودند چادر شرم آوری را لله امروز میپوشند بی‌پوشند. این بخاطر ترس محمد و احساس نا امنی او ،لله شخصی پیر بود ،و زنان جوان و زیبایی را اختیار کرده بود و هراس داشت لله مردان جوانی لله نیروی مردانگی بیشتری از او داشتند ،زنان او را برابند بود لله باعث صادر شدن دستور حجاب و پوشش چادر شد.

ترس این پیر مرد از شهوت زنانش برای مردان جوانتر در آیات زیر لله او با اعتماد به نفس در دهان الله گذاشته است لاملا انعلاس یافته است.

سوره احزاب آیات 30 و 31

يَا نِسَاءَ النَّبِيِّ مَنِ يَا تُبْنَ مِنْكُمْ بِفَاحِشَةٍ مُّبِينَةٍ يُضَاعَفْ لَهَا الْعَذَابُ ضِعْفَيْنِ وَكَانَ عَلَى اللَّهِ يَسِيرًا وَمَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ عَلَى اللَّهِ يَنْفَعُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَتَعْمَلْ صَالِحًا نُؤْتِهَا أَجْرَهَا مَرَّتَيْنِ وَأَعْتَدْنَا لَهَا رِزْقًا كَرِيمًا.

ای زنان پیامبر ، هر لیس از شما مرتکب لار زشت در خور ع قوبت شود ، خدا عذاب او را دو برابر می کند و این بر خدا آسان است ؛و هر لیس از شما لله به فرمانبرداری خدا و پیامبرش مداومت ورزد و ،لاری شایسته کند ،دوبار به او پاداش دهیم و برای او رزقی لرامند آماده کرده ایم. (4)

محمد همواره به زنانش یادآوری می‌کرد تا بگونه ای رفتار نکنند لله سایر مردان جذب شوند و خود را بگونه ای بی‌پوشانند لله تمایل بیگانگان را به خود جلب نکنند.

وَقَرْنَ فِي بُيُوتِكُنَّ وَلَا تَبَرَّجْنَ تَبَرُّجَ الْجَاهِلِيَّةِ الْأُولَىٰ وَأَقِمْنَ الصَّلَاةَ وَآتِينَ الزَّكَاةَ وَأَطِعْنَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا

و در خانه های خود بمانید و چنان لله در زمان پیشین جاهلیت می لرزدند، زینتهای خود را آشکارا ملتید و نماز بگزارید و زکات بدهید و از خدا و پیامبرش اطاعت کنید ای اهل بیت، خدا می خواهد پایدی را از شما دور کند و شما را چنان لله باید پالاید. (5).

در اینجا ما میبینیم لله زنان در دوران پیش از اسلام "در دوران جاهلیت"، همانطور لله متهم بطور اهانت بار بیان میداند، نمیتوانستند بدون حجاب در حالی لله "زینتهایشان را آشکارا میلرزدند" از خانه خود بیرون بروند. امروزه اگر زن مویش یا بازویش آشکارا باشد، در بعضی از کشورهای اسلامی مانند ایران و عربستان و در حکومت سرنگون شده طالبان پالیس اسلامی او را دستگیر خواهد کرد و او را تنبیه بدنی سختی خواهند کرد. در کشورهای اسلامی اندالی زنان میتوانند بدون حجاب از خانه بیرون بروند، چه برسد به اینکه خواهند "زینتهای خود را نشان دهند".

مردان نگاهبان زنان هستند و بر آنها برتر هستند.

متهم نه تنها آزادی پوشش را از آنها گرفت، او آنها را زیر سلطه مردان قرار داد، او نوشته است:

سوره نساء آیه 34

الرِّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ بِمَا فَضَّلَ اللَّهُ بَعْضَهُمْ عَلَىٰ بَعْضٍ وَبِمَا أَنفَقُوا مِنْ أَمْوَالِهِمْ فَالصَّالِحَاتُ قَانِتَاتٌ خَافِعَاتٌ لِلْغَيْبِ بِمَا حَفِظَ اللَّهُ وَاللَّاتِي تَخَافُونَ نُشُوزَهُنَّ فَعِظُوهُنَّ وَاهْجُرُوهُنَّ فِي الْمَضَاجِعِ وَاضْرِبُوهُنَّ فَإِنْ أَطَعْنَكُمْ فَلَا تَبْغُوا عَلَيْهِنَّ سَبِيلًا إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلِيمًا كَبِيرًا.

مردان، از آن جهت لله خدا بعضی را بر بعضی برتری داده است، و از آن، جهت لله از مال خود نفقه می دهند، بر زنان تسلط دارند پس زنان شایسته، فرمانبردارند و در غیبت شوی عقیقت و فرمان خدای را نگاه می دارند و آن زنان را لله از نافرمانیشان بیم دارید، اندرز دهید و از خوابگاهشان دوری کنید و بزنیشان اگر فرمانبرداری لرزدند، از آن پس دیگر راه بیدادپیش مگیرید و خدا بلند پایه و بزرگ است. (6).

آیه بالا نه تنها زن را به لایبی برای یل مرد تبدیل میکند، بلکه او را تحت تسلط شوهر قرار میدهد، بگونه ای لله انگار زن شتر و یا خر یل مرد است. متأسفانه خدیجه زنده نبود تا به شوهر محبوبش یادآور شود و قتی لله او زنده بود این خدیجه بود لله به محمد نفقه میداد و بر او تسلط داشت و این محمد بود لله ثروت خدیجه را به پایان رسانید.

در جای دیگر او آشکارا بیان میکند لله از نظر او مردان بر زنان برتری دارند:

سوره بقره آیه 228:

وَالْمُطَلَّاتُ يَتَرَبَّصْنَ بِأَنْفُسِهِنَّ ثَلَاثَةَ قُرُوءٍ وَلَا يَحِلُّ لَهُنَّ أَنْ يَكْتُمْنَ مَا خَلَقَ اللَّهُ فِي أَرْحَامِهِنَّ إِنْ كُنَّ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَبُعُولَتُهُنَّ أَحَقُّ بِرَدِّهِنَّ فِي ذَلِكَ إِنْ أَرَادُوا إِصْلَاحًا وَلَهُنَّ مِثْلُ الَّذِي عَلَيْهِنَّ بِالْمَعْرُوفِ وَلِلرِّجَالِ عَلَيْهِنَّ دَرَجَةٌ وَاللَّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ.

باید لله زنان مطقه تا سه بار پال شدن از شوهر لرزدن باز ایستند و، اگر به خدا و روز قیامت ایمان دارند، روا نیست لله آنچه را لله خدا در رحم آنان آفریده است پنهان دارند و در آن ایام اگر شوهرانشان قصد اصلاح داشته باشند به بازگرداندنشان سزاوارترند و برای زنان حقوقی شایسته است همانند وظیفه ای لله بر عهده آنهاست ولی مردان را بر زنان مرتبتی است و خدا پیروزمند و حلیم است. (7).

متهم هر لله میتوانست کرد تا جایگاه زنان را نسبت به مردان پست کند. بنابر آنچه او گفته است، زنانی لله مطیع شوهرانشان نیستند به دوزخ خواهند رفت.

پیامبر گفت: "من آتش دوزخ را دیدم و هرگز چنین صحنه وحشتناکی ندیده بودم. دیدم که بیشتر سالن بهشت زنان بودند. مردم پرسیدند ای پیامبر چرا اینگونه است؟ او گفت زیرا آنها شالوار نبودند. مردم پرسیدند که آیا آنها شالوار الله نبودند؟ پیامبر گفت، آنها نسبت به همسرانشان شالوار نبودند و شالوار اعمال خوب آنها نبودند. اگر نسبت به آنها در تمام زندگی بخشنده و نیکو باشی، و اگر او تنها یک چیز ناپسندی در تو ببیند (آن زن) به تو خواهد گفت که هیچ خیری از تو ندیده است. (8).

مردان میتوانند زنانشان را کتک بزنند.

متهم همچنان به مردان آموزش داده است که چگونه زنانشان را کتک بزنند.

سوره نساء آیه 34

الرِّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ بِمَا فَضَّلَ اللَّهُ بَعْضَهُمْ عَلَى بَعْضٍ وَبِمَا أَنْفَقُوا مِنْ أَمْوَالِهِمْ فَالصَّالِحَاتُ قَانِتَاتٌ حَافِظَاتٌ لِّلْغَيْبِ بِمَا حَفِظَ اللَّهُ وَاللَّاتِي تَخَافُونَ نُشُوزَهُنَّ فَعِظُوهُنَّ وَاهْجُرُوهُنَّ فِي الْمَضَاجِعِ وَاصْرَبُوهُنَّ فَإِنْ أَطَعْنَكُمْ فَلَا تَبْغُوا عَلَيْهِنَّ سَبِيلًا إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلِيمًا كَبِيرًا.

مردان، از آن جهت که خدا بعضی را بر بعضی برتری داده است، و از آن جهت که از مال خود نفقه می دهند، بر زنان تسلط دارند پس زنان شایسته، فرمانبردارند و در غیبت شوی عقیقت و فرمان خدای را نگاه می دارند و آن زنان را که از نافرمانیشان بیم دارید، اندرز دهید و از خوابگاهشان دوری کنید و بزندان اگر فرمانبرداری کردند، از آن پس دیگر راه بیدادپیش مگیرید و خدا بلند پایه و بزرگ است. (9).

مشکلات المصابیح روایت کرده است:

آیه بالا وقتی نازل شد که زنی به نزد پیامبر آمد و شالوار لرد که شوهرش به او سیلی زده است (جای سیلی شوهر بر گونه او مانده بود). پیامبر ابتدا به او گفت "همینا را با خود او بیا (به او سیلی بزن)" اما بعد او گفت "صبر کن تا من راجع به این موضوع فکر کنم"، سپس آیه بالا نازل شد، و پیامبر گفت "آنچه ما میخواستیم چیزی بود و آنچه الله میخواست چیزی دیگر، و آنچه الله میخواست بهترین است. (10).

شاید در آن لحظه احساس ترحم در محمد با دیدن جای سیلی در چهره آن زن شالوار گرفته بود و او به این بی عدالتی آشکار معترض بود، اما این احساس زیاد باقی نماند. اما بزودی او دریافت که دستوری که داده است نتایج بدی به بار خواهد آورد و روابط خصوصی او با زنان طغیانگرش را نیز تحت تاثیر قرار خواهد داد. بنابر این او الله را مجبور کرد تا آیه ای شرم آور و ناعادلانه را صادر کند، که به مردان اجازه میدهد زنانشان را کتک بزنند تا زنان مطیع آنان شوند.

همانطور که از آیه بالا مشخص است، یک زن نباید حتماً شوهرش را نافرمانی کند تا مستحق کتک خوردن شود. مرد میتواند تنها در صورتی که بیم نافرمانی از زنش را داشته باشد او را کتک بزند. همانگونه که ارشاد منجی (Irshad Manji) در "مشال اسلام"

The trouble with Islam

("در برگ 34 پیرامون این آیه مینویسد "برای اینکه زنی لایق کتک خوردن شود، لازم نیست که از کسی نافرمانی کند، تنها کافی است که مردی بیم نافرمانی از زنی را داشته باشد. احساس ناامنی او (شوهر) مشکلی برای زنش میشود."

زنان خوب و قتی لله از شوهرانشان لاتا میخورند شلایت نمیلائند:

[سنن ابوداود لاتاب 11 بخش 709، در باب زدن زنان، شماره 2141](#)

عبدالله ابن ابوذباب ن قل لرده است:

ایاس ابن عبدالله ابن ابوذباب روایت لرده است لله رسول الله ،گفته است ،لائیزان الله را لاتا نزنید ،اما و قتی عمر به نزد رسول الله آمد و گفت: زنان علیه شوهرانشان گستاخ شده اند ،او اجازه لاتا زدن را صادر لرد. بعد از این اجازه زنان بسیاری به نزد خانواده و زنان محمد می آمدند و از رفتار شوهرانشان شلایت میللردند ،پس محمد گفت زنان بسیاری لله اطراف خانواده محمد میروند و لب به شلوه میکشایند از بهترین شماها نیستند!

شوهر مجبور نیست برای لسی توضیح دهد لله برای چه زنش را لاتا میزند.

[سنن ابوداود لاتاب 11 بخش 709، در باب زدن زنان، شماره 2142](#)

عمر ابن خطاب روایت لرده است:

پیامبر گفت: مرد در مورد اینلله برای چه زنش را لاتا زده است پرس جو نمیشود.

او آند قدر پیش رفت لله گفت زنان باید در م قابل شوهرانشان سجده لاتند:

اگر من میتوانستم دستور دهم لله انسانها بر دیگر انسانها سجده لاتند ،دستور میدادم زنان بخاطر حق ویژه ای لله الله به آنها داده است در م قابل شوهرانشان سجده لاتند. (11)

یلا شب محمد از خانه خارج میشود و عایشه گزارش لرده است لله او را دنبال لرده است:

[صحیح مسلم لاتاب 4 شماره 2127](#) از عایشه روایت لرده است لله محمد یلا شب در حالی لله فلر میللد عایشه خوابیده است از خانه خارج میشود ،عایشه مخفیانه او را دنبال میللد ،محمد بر میگردد و میبیند لله عایشه دارد او را تع قیب میللد ،محمد او را مجبور میللد لله اعتراف لند او را دنبال میللد است ،زیرا اگر او دروغ بگوید اجنه و ارواح او را آگاه خواهند لرد. عایشه گفته است و قتی من اعتراف لردم لله او را دنبال میللد ام **او به سینه من لوبید لله این سبب درد من شد.**

حدیثی گزارش میکند که متهم در دیدار با زنان آنها را "ناقص در عقل و دین" خوانده است:

یلبار پیامبر به مصلی میرفت لله نماز عید فطر را بخواند ،او از لاتار زنی رد شد و گفت "ای زنان! صد قه بدهید ،(این صد قه به او میرسید زیرا او نایب السلطه خدا روی زمین به شمار میرفت و پول را بین لسانی لله رضایت آنها را خواستار بود یا برای نشان دادن سخاوت پخش میللد) چرا لله من دیده ام لاتر لسانی لله دچار آتش جهنم هستند از شما (زنان) بودند. " آنها (زنان) گفتند ای رسول الله چرا چنین است ؟ او گفت "شما دائما لعنت میفرستید و نسبت به شوهرانتان ناسپاس هستید. من هیچ لسی لله به اندازه شما در عقل و دین ن قص داشته باشد ندیده ام.

یلا مرد هوشیار و معقول نیز مملآن است توسط شماها منحرف شود" زنان از او پرسیدند "ای رسول الله، چه ن قصانی در عقل و دین ما وجود دارد؟" او گفت "آیا همین لله دو شاهده زن برابر یلا شاهد مرد هستند لافی نیست؟" زنان پاسخ مثبت دادند، او گفت "این دلیل ن قصان عقل آنها است. آیا این درست نیست لله زنان در دوران حیض خود نه میتوانند نماز بخوانند نه میتوانند روزه بگیرند؟" زنان پاسخ مثبت دادند، او گفت "این نیز ن قصان آنها در دینشان است". (12).

آنچه متهم در بالا اظهار داشته است، یلا زن ستنیزی آشلا ر است. متهم ابتدا حقوق زنان را از آنها گرفته است و سپس آنها را به دلیل نداشتن این حقوق محلولم لرده است. او نه تنها زخم زده است، بلکه نملا نیز بر زخمهای قربانیانش میپاشد. این حدیث توسط بسیاری از راویان و محدثین روایت شده است، و صحیح مسلم نیز از آن یاد لرده است، به همین دلیل این حدیث یلی از معتبر ترین احادیث است.

زنان برای مردان آفریده شده اند.

در آیه ای دیگر متهم میگوید:

سوره روم آیه 21

وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ.

و از نشانه های قدرت اوست لله برایتان از جنس خودتان همسرانی آفرید تا به ایشان آرامش یابید، و میان شما دوستی و مهربانی نهاد در این عبرتهایی است برای مردمی لله تفکر می لند. (13).

للمه عربی "برای شما" لاملأ مشخص میلند لله مخاطب این جمله مردان است، و للمه "آنها" نیز به زنان اشاره دارد. (در واقع الله در قرآن هرگز زنان را بطور مستقیم مورد خطاب قرار نمیدهد. او همواره یا با پیامبر سخن گفته یا با مردان مومن. زنان همواره سوم شخص هستند.) این آیه روشن میلند لله زنان برای مردان آفریده شده اند تا موجب لذت آنها شوند.

امام فخر الدین رازی در تفسیر للبیر خود، آیه 21 سوره روم را اینگونه تفسیر لرده است:

او میگوید "برای شما آفرید" اثبات میلند لله زنان مانند حیوانات، گیاهان و سایر چیزهای بدردبخور دیگر هستند. همانگونه لله خدای تعالی فرموده است "خلق للهم ما فی الارض = او برای شما آنچه بر روی زمین است را آفریده است" و این ثابت میلند لله زن برای عبادت خدا و اجرای فرامین الهی آفریده نشده است. ما میگوییم آفرینش زن یلی از الطاف الهی بر ما (مردان) است تا ما لایق عبادت خدا باشیم، و ما با آنها طبق دستور الهی رفتار میلتیم، برای زنان تالیف زیادی آن قدر لله برای ما وجود دارد وجود ندارد، این ما هستیم لله باید تالیف الهی را در حق آنها اجرا لیتیم. زیرا زنان ضعیف، احمق، و از برخی از نگرهاها مانند لودلان هستند، و هیچ تالیفی برای یلا لودلا صادر نمیشود. اما به مرحمت خدا آنها خلق شده اند تا ما لامل شویم، بر زنان باید وظایفی میبود تا آنها از زجر ملاقات بترسند و بنابر این شوهرانشان را پیروی لند، و از آنچه یلا نهی شده است دوری لند، در غیر اینصورت فساد رواج خواهد یافت.

ملا هادی سبزواری، از علمای ممتاز مسلمان، در حاشیه ای لله بر نوشتار صدر المتألهین (ملاصدرا) نوشته است، گفته است:

دلیل ایناله ملاصدرا، زنان را جزو حیوانات بشمار آورده است گریزی زیرلانه بر این واقعیت است لله زنان، به دلیل ن قصان عقیشان و عدم پختگی فلریشان، و بخاطر علاقه شان به زینت های دنیوی، و افعأ و حقیقتاً در میان حیوانات صامت (گنگ و بیصدا) هستند. آنها طبیعت دواب (چهارپایان) را دارند، اما به آنها صورت انسان داده شده است تا مردان از سخن گفتم با آنها بیزار نباشند و میل داشته باشند لله به آنها دخول جنسی لند. به همین دلیل است لله شریعت مطهر ما طرف مردان را میگیرد و به مردان در التزیت مواقع برتری میدهد. مثلاً در طلاق و نشوز و غیره. (14).

این علما نظرات موهنی را لله در مورد زن بیان داشته اند از خود در نیاورده اند. آنها تنها هلام محمد را لله در نظر آنها بهترین پیامبر خدا است و مثالی برای پیروی است تفسیر کرده اند. منابع این ایده لله زنان از عقلانیت فروتری نسبت به مردان برخوردار هستند در قرآن و احادیث به وفور یافت میشود.

در میان اعراب ضرب المثلی (نقصتین، ع قلاً و دیناً) رایج است لله مستقیماً برگرفته از گفته های محمد است.

زنانی لله به سالی میل نداشته باشند توسط الله و فرشتگان لعنت میشوند.

حدیث زیر روشن میکند لله از نظر متهم، زنان برای اشیاع جنسی مردان آفریده شده اند:

رسول الله گفت "اگر مردی زنش را به بستر فراخواند (لله بخواند با او نزدیالی لند) و او (زن) سر باز زند و باعث شود لله او (مرد) با خشم بخواب برود، فرشته ها تا صبح او را لعنت میکنند." (15).

حدیث بالا باعث میشود انسان از خودش بپرسد، چرا الله هیچ لاری دیگری جز ارضای جنسی مرد مسلمان ندارد؟ عجیب است لله خدا فرشتگان زیادی را استخدام کرده است تا بنشینند و لاری دالند مگر ایدله به زنانی لله شوهرانشان را با تماس جنسی ارضاء نمیلند لعنت بفرستند. لعنت لردن به معنی بر انگیزتن خشم خدا است. چرا خدا نیاز دارد تا از تعداد زیادی فرشته برای این منظور استفاده لند در حالی لله میتواند خود بدون واسطه زنی را لله با شوهرش نمیخواهد مجازات لند؟ به نظر میرسد مقدار زیادی زیاده لاری و سوء مدیریت در بارگاه الله وجود داشته باشد. مثال الله مانند مثال رئیس جمهوری است لله از لارلانش در مورد لارهایی لله میخواهد انجام دهد مشورت بخواند. به هیچ عنوان نمیتوان اینرا باور داشت. اگر فرشتگان بابت این لارشان حقوقی میگیرند، این مسئله چیزی نیست جز اصراف بیهوده منابع مالی الهی و اگر به آنها چیزی پرداخت نمیشود، فرشتگان مانند برده های خدا هستند. شما نمیتوانید بگویید فرشته ها این لار را داوطلبانه و از روی اختیار خود انجام میدهند زیرا فرشتگان هیچ لاری را بدون اجازه الله انجام نمیدهند. احادیث بیشتری در این مورد وجود دارد:

"ابو حریره، گزارش لرد لله رسول الله گفته است:

قسم به لسی لله جان من در دست او است، اگر مردی زنش را به بستر فراخواند، و زنش پاسخ مثبت ندهد، لسی لله در بهشت است (خدا) از او ناراضی است تا زمانی لله او شوهرش را راضی لند." (16).

9

"پیامبر گفت: اگر زنی شب را دور از بستر شوهرش بخوابد (با او همبستر نشود)، زنان تا زمانی لله آن زن به بستر شوهرش باز گردد او را لعنت میکنند" (17).

زیاد روشن نیست لله این مسئله چرا این قدر برای متهم مهم بوده است. شاید یادآوری این دلالت لله محمد زنان متعدد زیر بیست سال و نزدیالی بیست سال داشت و در آن زمان او یلایر مرد بود، بتواند پاسخی برای این مسئله باشد. شاید دندانهای او فاسد شده بودند و دهانی بد بو داشت. شاید زنانش چندان مایل نبودند لله با پیر مردی، بد بو و ضعیف همبستر شوند. ممکن است محمد این داستانها را درست لرده باشد تا زنان جوانش پاسخ رد به زیاده خواهی های جنسی او ندهند، شاید او میخواست آنها را از این طریق اغوا لند تا بتواند دستی بر آنها بجنباند، یا شاید شما واقعا فلر میلند الله دیوث و دلال محبت است.

به ع قیده این پیامبر لله خوب به خودش میرسید، تمایلات جنسی یلایر مرد آذ قدر اهمیت دارند لله زن باید غذایش را در اجاق رها لند و بگذارد لله غذا در حرارت اجاق بسوزد و به سوی شوهرش بشتابد تا ایدله شوهرش در حرارت برای او نسوزد.

"رسول الله گفت: و قتی مردی زنش را برای تماس جنسی فرامیخواند، زن باید به نزد او برود حتی اگر با اجاق مشغول است." (18).

زنان آلت تناسلی هستند!؟

گویا تمام این تحقیرهای موهن و نفرت انگیز علیه زنان لافی نبوده است، محمد حتی زنان را به آلت تناسلی تشبیه لرده است.

علی روایت کرده است که پیامبر گفته است: "زنان 10 عورت دارند. و قتی زن ازدواج میلند شوهرش پالی از عورت ها را میپوشاند، و و قتی میمیرد قبر ده عورت او را میپوشاند" (19).

عورت چیست؟ دانشنامه اسلام عورت را به آلت تناسلی (فرج) تعریف کرده است. (20)

و باتوجه به حدیث زیر، زنان نه تنها 10 عورت دارند، بلکه خود زن نیز عورت است.

"زن عورت است، و قتی او از خانه بیرون میرود، شیطان به او خوش آمد میگوید" (21).

حدیث زیر، نشان میدهد که زنان از رفتن بیرون از خانه بازداشته شده اند، حتی برای رفتن به مسجد.

"زن"

در صورتی که در درون خانه باشد

در نزدیکترین حالت به چهره خدا قرار دارد، و نماز زن در خانه اش بهتر از نماز او در مسجد است. " (22).

این جایگاهی که محمد برای زن در نظر گرفته است، جایگاهی بسیار تفضیل یافته نسبت به جایگاهی است که اعراب در پیش از اسلام برای زنانی صاحب مال و تجارت (خدیجه) داشتند و آنها را بعنوان ژنرالهای ارتش (عایشه) پیروی کردند، و آنان را رهبران قلمی خود میدانستند (عصماء بنت مروان)، از آنها تشویق میگرفتند (هند) و آنان را بعنوان پیامبرانی پیروی میبردند. به تدریج و قتی نسل های جدید شال میگرفتند به دلیل آموزه های محمد مسلمانان دیدگاهی توهین آمیز و تدفیر آمیز نسبت به زنان پیدا کردند و سرانجام زنان مسلمان حقوق و شرافتشان را کاملاً از دست دادند.

زنان از حقوق المتری برخوردار هستند.

نقصان زنان در عقل، بر حقوق قانونی آنان را نیز تاثیر میگذارد.

سوره بقره آیه 282

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا تَدَايَيْتُمْ بِدَيْنٍ إِلَى أَجَلٍ مُّسَمًّى فَاكْتُبُوهُ وَلْيَكْتُب بَيْنَكُمْ كَاتِبٌ بِالْعَدْلِ وَلَا يَأْبَ كَاتِبٌ أَنْ يَكْتُبَ كَمَا عَلَّمَهُ اللَّهُ فَلْيَكْتُبْ وَلْيُمْلَأِ الَّذِي عَلَيْهِ الْحَقُّ وَلْيَتَمَنَّى اللَّهُ رَبَّهُ وَلَا يَبْخَسَ مِنْهُ شَيْئًا فَإِنْ كَانَ الَّذِي عَلَيْهِ الْحَقُّ سَفِيهًا أَوْ ضَعِيفًا أَوْ لَا يَسْتَطِيعُ أَنْ يُملَ هُوَ فَلْيُمْلَأْ وَلِيُّهُ بِالْعَدْلِ وَاسْتَشْهِدُوا شَهِيدَيْنِ مِنْ رِجَالِكُمْ فَإِنْ لَمْ يَكُونَا رَجُلَيْنِ فَرَجُلٌ وَامْرَأَتَانِ مِمَّنْ تَرْضَوْنَ مِنَ الشُّهَدَاءِ أَنْ تَضِلَّ إِحْدَاهُمَا فَتُذَكِّرَ إِحْدَاهُمَا الْأُخْرَى وَلَا يَأْبَ الشُّهَدَاءُ إِذَا مَا دُعُوا وَلَا تَسْأَمُوا أَنْ تَكْتُبُوهُ صَغِيرًا أَوْ كَبِيرًا إِلَى أَجَلِهِ ذَلِكُمْ أَقْسَطُ عِنْدَ اللَّهِ وَأَقْوَمُ لِلشَّهَادَةِ وَأَدْنَى أَلَّا تَرْتَابُوا إِلَّا أَنْ تَكُونَ تِجَارَةً حَاضِرَةً تُدِيرُونَهَا بَيْنَكُمْ فَلَيْسَ عَلَيْكُمْ جُنَاحٌ أَلَّا تَكْتُبُوهَا وَأَشْهِدُوا إِذَا تَبَايَعْتُمْ وَلَا يُضَارَّ كَاتِبٌ وَلَا شَهِيدٌ وَإِنْ تَفَلَّحُوا فَإِنَّهُ فُسُوقٌ بِكُمْ وَاتَّقُوا اللَّهَ وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ

ای کسانی که ایمان آورده اید، چون وامی تا مدتی معین به یکدیگر دهید، آن را بنویسید و باید در بین شما کتابی باشد که آن را به درستی بنویسد و کتاب نباید که در نوشتن از آنچه خدا به او آموخته است سرپیچی کند و مدیون باید که بر کتاب املاء کند و از الله، پروردگار خود بترسد و از آن هیچ نلهد اگر مدیون سفيه یا صغیر بود و خود املاء کردن نمی توانست، ولی او از روی عدالت املاء کند و **دو شاهد مرد به شهادت گیرید اگر دو مرد نبود، یک مرد و دو زن که به آنها رضایت دهید شهادت بدهند، تا اگر یکی (از زنان) فراموش کرد دیگری به یادش بیاورد** و شاهدان چون به شهادت دعوت شوند، نباید که از شهادت خودداری کنند و از نوشتن مدت دین خود، چه لوچ و چه بزرگ، ملول

مشوید این روش در نزد خدا عادلانه تر است ، و شهادت را استوار دارنده تر و شایسته و تردید را زایل کننده تر و هرگاه معامله نفعی باشد اگر برای آن سندی ننویسید مرتکب گناهی نشده اید و چون معامله ای کنید ، شهادی بگیرید و نباید به کاتب و شاهد زبانی برسد ، لکن اگر چنین کنید نافرمانی کرده اید از خدای بترسید خدا شما را تعلیم می دهد و او بر هر چیزی آگاه است

بعبارت دیگر ، نه تنها یکن زن به تنهایی نمیتواند علیه یک مجرم شهادت دهد ، اگر مردی میان شاهدان وجود نداشته باشد هیچ تعدادی از زنان نمیتوانند علیه مجرمی شهادت دهند. این به این معنی است که اگر به زنی تجاوز شود او نمیتواند این مسئله را اثبات کند مگر اینکه بتواند شاهد مردی را فراهم کند (لکن تقریباً همیشه این کار محال است ،) و بنابر این متجاوز مجرم شناخته خواهد شد. اما اعتراف او بر زن نمیتواند بعنوان مدرکی علیه خودش استفاده شود. همچنین اگر او بدلیل همان تجاوز حامله شود ، بچه او میتواند بعنوان مدرکی برای زنا استفاده شود و او به سنگسار محکوم شود. هیئت جوری محترم میتواند پیروند معروف امینه لوال ()

زنان کمتر ارث میبرند.

مدافعان اسلام میگویند پیش از اسلام زنان هیچ حق دریافت ارث را نداشتند ، این آشکارا دروغ است. خدیجه ثروتش را از طریق ارث بدست آورده بود. و قتی محمد اعلام کرد زنان میتوانند نصف مردان ارث ببرند ، زنان این مسئله را جشن گرفتند و از آن خوشحال نشدند.

سوره نساء آیه 11

يُوصِيكُمُ اللَّهُ فِي أَوْلَادِكُمْ لِلذَّكَارِ مِثْلُ لَلْأُنثَيَيْنِ فَإِن لَّنْ نِسَاءً فَوْقَ اثْنَتَيْنِ فَلَهُنَّ ثُلُثَا مَا تَرَ وَإِن لَّأَنْتِ وَاحِدَةً فَلَهَا النِّصْفُ وَلِأَبَوَيْهِ لِكُلِّ وَاحِدٍ مِّنْهُمَا السُّدُسُ مِمَّا تَرَ إِن لَّانَ لَهُ وَلَدٌ فَإِن لَّمْ يَلَنَّهُ وَلَدٌ وَوَرِثَهُ أَبَوَاهُ فَلَأُمِّهِ الثُّلُثُ فَإِن لَّانَ لَهُ إِخْوَةٌ فَلَأُمِّهِ السُّدُسُ مِّنْ بَعْدِ وَصِيَّةٍ يُوصِي بِهَا أَوْ دِفْنٍ آبَاؤُكُمْ وَأَبْنَاؤُكُمْ لَا تَدْرُونَ أَيُّهُمْ أَقْرَبُ لَكُمْ نَفْعًا فَرِيضَةٌ مِّنَ اللَّهِ إِنَ اللَّهُ لَآنَ عَلِيمًا حَلِيمًا

خداوند درباره فرزندان به شما سفارش می کند که سهم (میراث) پسر ، به اندازه سهم دو دختر باشد ، و اگر فرزندان شما (دو دختر و) بیش از دو دختر باشند ، دو سوم میراث از آن آنهاست ، و اگر یکی باشد ، نیمی (از میراث) ، از آن اوست . و برای هر یکی از پدر و مادر او ، یک ششم میراث است ، اگر (میت) فرزندی داشته باشد ، و اگر فرزندی نداشته باشد ، و (تنها) پدر و مادر از او ارث برند ، برای مادر و یک سوم است (و بقیه از آن پدر است ،) و اگر او برادرانی داشته باشد ، مادرش یک ششم می برد (و پنج ششم با قیمانده ، برای پدر است .) همه اینها (، بعد از انجام وصیته است که او کرده ، و بعد از ادای دین است شما نمی دانید پدران و مادران و فرزندان ، کدام یکی برای شما سودمندترند . این فریضه الهی است ، و خداوند ، دانا و حلیم است .

درواقع ، بسیاری از افراد ، حتی یکی از زنان خود محمد نیز اعتراض کردند که این شیوه تقسیم ارث ناعادلانه است :

ام سلمه (یگانه ای اعتراضی) گفت " ای رسول الله ! مردان جهاد میکنند (میتوانند غنائمی بدست آورند) اما زنان نمیتوانند ، و ما نیمی از ارث را دریافت میکنیم . پس آیه 32 سوره نساء نازل شد . (23) .

سوره نساء آیه 32

وَلَا تَتَمَنَّوْا مَا فَضَّلَ اللَّهُ بِهِ بَعْضُهُمْ عَلَى بَعْضٍ لِّلرِّجَالِ نَصِيبٌ مِّمَّا الْكَسَبُوا وَلِلنِّسَاءِ نَصِيبٌ مِّمَّا الْكَسَبْنَ وَسَأَلُوا اللَّهَ مِنْ فَضْلِهِ إِنَ اللَّهُ لَآنَ بِأَلٍ شَيْءٍ عَلِيمًا .

برتریهایی را لله خداوند برای بعضی از شما بر بعضی دیگر قرار داده آرزو نلتید (این تفاوت‌های طبیعی و حقوقی، برای حفظ نظام زندگی شما، و بر طبق عدالت است. ولی با این حال)، مردان نصیبی از آنچه به دست می‌آورند دارند، و زنان نیز نصیبی (و نباید حقوق هیچ یک را پایمال گردد)، و از فضل (و رحمت و برکت) خدا (برای رفع تنگ‌ناها) طلب کنید. و خداوند بر هر چیز داناست.

این نشان میدهد لله زنان پیش از اسلام، سهم بیشتری از ارث نسبت به زنان پس از اسلام داشتند.

نظر محمد در مورد زنان.

زنان در نگاه محمد آن قدر لم ارزش و فرو بودند لله او آنها را با لشترزار و مزرعه مقایسه کرده است و گفته است **هرو** قوت و **هرلجا** لله دوست دارید وارد لشترارتان شوید.

سوره بقره (ماده گوساله) آیه 223 صفحه 36

يَسْأَلُكُمْ خِزْتُ لَكُمْ قَاتُوا خِزْتُكُمْ أَلَى شَيْئُمْ وَقَدْ مُوا لَانْفُسِكُمْ وَاتَّقُوا اللَّهَ وَاعْلَمُوا أَنَّكُمْ مُلَاقُوهُ وَبَشِّرِ الْمُؤْمِنِينَ.

زنانتان کشتزار شما هستند. هر جا که خواهید به کشتزار خود درآیید. و برای خوش از پیش چیزی فرستید و از خدا بترسید و بدانید که به نزد او خواهید شد. و مومنات را بشارت ده. **ترجمه های بیشتر**

شاید مناسب نباشد لله جزئیات بیشتری در مورد این آیه مطرح شود،

روزی عمر داشت با دوستانش صحبت میکرد، زنش دخالت کرد، عمر به او گفت "تو یی اسباب هستی، اگر تو لازم باشی، تو را صدا خواهیم کرد!" (24).

برجسته ترین عالم اسلامی، غزالی گفته است:

در همنشینی با زن، بازی کردن با آنها، روح انسان تازه میشود، قلب استراحت میکند و مرد قدرت پیدا میکند لله خدا را بپرستد... به همین دلیل است لله خدا گفته است "تا در کنار او بیاساید" (سوره اعراف آیه 189).

آیه ای لله غزالی به آنها اشاره میکند این است:

سوره اعراف آیه 189:

هُوَ الَّذِي خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسٍ وَاحِدَةٍ وَجَعَلَ مِنْهَا زَوْجَهَا لِيَسْلُبَ إِلَيْهَا فَلَمَّا تَغَشَّاهَا حَمَلَتْ حَمْلًا خَفِيًّا فَمَزَّتْ بِهِ فَلَمَّا أَذَتْ قَالَتْ دَعُوا اللَّهَ رَبَّهُمَا لَئِنْ آتَيْنَا صَالِحًا لَذَلُّونَ مِنَ الشَّاكِرِينَ

او خدایی است لله (همه) شما را از یک فرد آفرید، و همسرش را نیز از جنس او قرار داد، تا در کنار او بیاساید. سپس هنگامی لله با او آمیزش کرد، حملی سبک برداشت، لله با وجود آن، به لارهای خود ادامه می‌داد، و چون سنگین شد، هر دو از خداوند و پروردگار خود خواستند اگر فرزند صالحی به ما دهی، از شاکران خواهیم بود.

روشن است لله محمد ارزش زیادی برای زنان قائل نبوده است.

پیامبر گفت: "بعد از خود، هیچ رنجی خطرناکتر از زنان برای مردان باقی نگذاشتم." (26).

در جای دیگر محمد زن را به دنده لاج تشبیه میکند:

زن مانند یلای دنده است. و قتی تلاش لئی لله آنرا راست لئی، آنرا خواهی شالست. و اگر او را رها لئی از او سود خواهی جست اما لئی در او

باقی خواهد ماند. (27)

این حدیث جزو احادیث متواتر دسته بندی شده است، یعنی دیگر محدثین نیز آنرا نقل کرده اند.

در حدیثی دیگر از محمد روایت شده است:

زن در شال شیطان پیشرفت و پسرفت میکند، پس و قتی یلای از شما زنی را میبیند، باید به نزد همسرش برود، زیرا آن باعث میشود لله آنچه در

قلبش شال گرفته است دفع گردد. (28).

زنان بالار تبه.

پیش از اسلام، در لشورهای غیر عرب، مانند ایران و بیزانس، زنان حقوق بیشتری از زنان در لشورهای عربی برخوردار بودند. در واقع در ایران زنان میتوانند ملاله و حاله لشور شوند، محمد در مورد این قضیه چه فکر میکرد؟

و قتی پیامبر شنید لله مردم ایران دختر خسرو را ملاله (حاله) خود کرده اند، گفت "لشوری لله زنی را حاله بر خود لند، هرگز پیروز نخواهد شد." (29).

یلتفر از من پرسید پس چرا در برخی از لشورهای اسلامی مانند بنگلادش و پاکستان نخست وزیران زن وجود داشتند؟ پاسخ این است لله بسیاری از مسلمانان دینشان را نمیشناسند و سهواً آداب و رسوم پیشا اسلامی (جاهلیت) خود را دنبال میکنند. جاهلیت به معنی نادانی است، و مسلمانان معمولاً از روی نادانی راههای میکنند لله اسلامی نیستند. طالبان از طرف دیگر اسلام راستین را میشناخت. هرچقدر یلای لشور اسلامی تر باشد، شریعت اسلامی بیشتر غلبه خواهد کرد، و زنان بیشتر حقوق و امتیازهای خود را از دست خواهند داد.

لشتن نوزادان دختر.

یلای از استدلالهایی لله مسلمانان مدافع اسلام برای اثبات ایندله محمد زنان را آزاد کرد، آنرا اقامه میکنند دستور قرآن برای زنده بگور دلردن نوزادان مونث است. آنها میخواهند شما باور کنید لله اعراب این عمل شنیع را بطور گسترده انجام میدادند، آنها نوزادان را در صورتیله دختر میبودند زنده بگور میکردند اما این افسانه را میتوان با منطقی ساده رد کرد. اگر این کار بسیار بین اعراب رایج بوده است، چطور اعراب میتوانند با چندین زن ازدواج کنند؟ اساساً چطور نسل آنها مدقرض نشد؟

لشتن نوزادان دختر حتی امروز نیز در چین و هند انجام میگردد. این اتفاق تنها در میان فقیرترین و بیسوادترین مردم اتفاق می افتد. این رفتار غیر قانونی است و جرم بزرگ محسوب میشود و لسانی لله این جرم را مرتال می شوند دستگیر شده و به دادگاه لشیده میشوند. هیچ دلیلی وجود ندارد لله باور لیم وضعیت در عربستان بگونه دیگری بوده است. مطمئناً اکثر اعراب از این عمل انزجار داشتند. این عمل به سادگی بر خلاف طبیعت بشر است. و قتی محمد این کار را منع کرد، او تنها نظر اکثریت اجتماع را انعلاص داده بود، و چیزی را ممنوع کرده بود لله در نظر همگان از پیش رد شده بود.

محمد در ایندله زنان را بشر، لاج، نا قص العقل و خلق شده تنها برای لذت دادن به مرد تصویر لند شلست نخورد. تنها نقش زن از نظر او ماشین جوجه لشی بودن برای فرزندانش است! زن باید مطیع او باد و به او خدمت لند! زن از نظر او قادر نیست زندگی خود را تامین لند و نیاز به سلطنت مرد دارد. زن ارث لمتری را دریافت میلند و شهادت او در دادگاه نصف شهادت مرد است، زیرا او لعنت شده است لله حافظه ای ضعیف داشته باشد.

زنان در اسلام تمامی حقوق خود را از دست داده است، حتی حق تنها مسافرت لردن را. (30).

خدا و دختران؟ بدون شلایه تقسیم غیر عادلانه!

محمد آنچنان تصویری مدقرانه نسبت به زن داشت لله معتقد بود لله خدا بزرگتر از آن است لله دختری داشته باشد، در حالی لله مردان عادی به داشتن پسرانشان افتخار میلندند.

سوره نجم آیات 19 تا 22

أَفَرَأَيْتُمُ اللَّاتَ وَالْعُزَّىٰ

؛

وَمَنَاةَ الثَّالِثَةَ الْأُخْرَىٰ

؛

الْكُفَى الدَّكَرَ وَلَهُ الْأُنثَىٰ

؛

تِلْكَ إِذًا قِسْمَةٌ ضِيزَىٰ.

آیا لات و عزا را دیده اید؟؛ و منات آن بت سومی دیگر را

؟؛

آیا شما را پسر باشد و او را دختر؟

؛

این تقسیمی است خلاف عدالت.

فرض لنید خدا تنها دختر میداشت و پسری نمیداشت. آیا این واقعاً تقسیمی خلاف عدالت بود؟ آیا خدا باید از ایندله دختر دارد و پسر ندارد شرمنده باشد؟ بطور جالبی محمد خود دچار چنین سرنوشتی شد، پسران او همگی در دوران طفولیت مردند و تنها دخترانش باقی ماندند. میتوان تصور لرد لله او چقدر از ایندله پسری ندارد شرمنده بود. مردی با آنهمه تبعیض علیه زنان و زن ستیزی، و بسیار خودخواه، هیچ فرزندی برایش باقی نماند به غیر از چند دختر، لله او قطعاً

فلز میلرد این مسئله تقسیمی است خلاف عدالت.

دقت کنید که این آیه خدا را بعنوان سوم شخص مفرد مورد خطاب قرار میدهد، این خطایی در ترجمه نیست، لکن عربی "لهو" استفاده شده است که به معنی "برای او (مذلل)" است. محمد فراموش کرده است که قرآن قرار است لایم خدا باشد و باید از قول خدا با اول شخص مفرد، یا مثلاًم وحده صحبت کرد.

این واقعیت که اعراب خدایان زنی داشتند نشان میدهد که آنها برای زنان آنقدر احترام قائل بودند که برخی از خدایان خود را زن میدانستند. از نظر محمد اما، تمام سالن اجتماع الهی و تمام فرشتگان مرد هستند. تنها اعضای مونث دستگاه الهی حوری ها هستند که چندهای الهی هستند و ساخته شده اند تا به مردان بهشتی خدمات جنسی بدهند. در واقع تنها زنان لایم به بهشت وارد خواهند شد، بیشتر آنان به جهنم خواهند رفت.

تدقیق های شرم آور دیگر در مورد زنان.

در یک حدیث محمد زنان را برابر با سگ و خر میلند و میگوید:

نماز یک مرد با عبور یک خر، زن و سگ سیاه باطل میشود. (31).

در جای دیگر او خوابی را که در آن زنی سیاه را دیده است، به بیماری واگیردار تفسیر میکند. (32).

او همچنین گفته است که بزرگترین رنج برای مردان، زنان هستند.

پیامبر گفت: "بعد از خود، هیچ رنجی خطرناکتر از زنان برای مردان باقی نگذاشتم." (33).

یک زن خوب.

تنها مسئولیت یک مرد در قبال همسرش نگهداری کردن از او است. او باید برای زنش غذا تهیه کند، خانه و لباس را تهیه کند و نیازهای طبیعی او را برآورده کند. عواطف زن، نیازهای جنسی و روانی زن جزو این چیزها نیستند. از نظر اسلام این نیازها اساساً وجود ندارند زیرا زنان کاملاً انسان نیستند. محمد نه تنها تعداد زیادی از زنان جوان را و حتی که پیرمردی عاجز و ضعیف بود در حرم خود نگاه داشته بود، بلکه ازدواج مجدد زنان را پس از مرگش حرام اعلام کرده بود. این شخص آنقدر خودخواه بود که نمیتوانست تصور کند مرد دیگری با همسرانش پس از مرگ او بخوابد.

"محمد زنان خود را ام المومنین نامید، یعنی زنان مادر مومنان بودند، تا دیگر مومنان نتوانند با زنان او که مادرشان بودند ازدواج کنند، اما جالب است که او خود را پسر مومنین خوانده است تا دیگر نتواند با دختران خود که زنان مومن باشند ازدواج کند، او حتی برای اینکه بحثی در این مسئله باقی نماند در قرآن نیز روی این قضیه تأکید کرده است که محمد پدر هیچ یک از شماها نیست!

سوره احزاب آیه 40

مَا كَانَ مُحَمَّدٌ أَبَا أَحَدٍ مِّن رِّجَالِكُمْ وَلَكِن رَّسُولَ اللَّهِ وَخَاتَمَ النَّبِيِّينَ وَكَانَ اللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمًا

محمد پدر هیچ یک از مردان شما نیست او رسول خدا و خاتم پیامبران است و خدا به هر چیزی داناست"

توضیحات از مترجم.

او تعدد زوجه را معتبر و قانونی شمرد و به مردان اجازه داد چهار زن بگیرند:

وَإِنْ جَفْتُمْ إِلَّا تَقْسُوا فِي الْيَتَامَىٰ فَانكِحُوا مَا طَابَ لَكُمْ مِنَ النِّسَاءِ مَثْنَىٰ وَثُلَاثَ وَرُبَاعَ فَإِنْ جَفْتُمْ إِلَّا تَعْدِلُوا فَوَاحِدَةً أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ ذَٰلِكَ أَدْنَىٰ إِلَّا تَعْدِلُوا.

اگر شما را بیم آن است که در کار یتیمان عدالت نورزید، از زنان هر چه شما را پسند افتد، دو دو و سه سه و چ چهار چهار به نلاح در آورید و اگر بیم آن دارید که به عدالت رفتار نلتید تنها یک زن بگیرید یا هر چه مال آن شود این راهی بهتر است تا مرتائب ستم نگردید.

این آیه همچنین به مردان اجازه داد که هر تعداد تنگیز (برده زن) که میخواهند تصرف کنند. برخی از علما معتقدند این آیه تعداد زنان را محدود نکرده است، بلکه به مردان گفته است که چگونه باید ازدواج کنند، دوتا دوتا، سه تا سه تا و چ چهار تا چ چهار تا. (34).

بنابر این مردان اجازه دارند که پس از ازدواجشان نیز شهوت رانی کنند.

"زن باتقوا، زنی است که اگر شوهرش او را امری کند، او اطاعت کند. اگر شوهرش او را نگاه کند، او شوهرش را خشنود سازد، اگر او از زن قوی بگیرد، زن قول را بجای آورد، و اگر مرد از او دور است، آن زن از مال همسرش و خودش دفاع کند." (35).

آیا این ویژگیها ویژگیهای یک سگ خوب نیستند؟

حال بگذارید ببینیم یک زن خوب و باتقوا چه ویژگیهای دیگری باید داشته باشد:

"بهترین زنان، آنانی هستند که زیباترین چهره ها و ارزان ترین مهریه را دارند" (36).

یک ویژگی دیگر در مورد زن خوب:

یک همسر خوب خارج از این دنیا است، زیرا او شما را رها می کند تا به فکر زندگی آینده خود باشید. او این کار را با انجام وظایف درون خانه (بجای اینکه شوهر آنها را انجام دهد) انجام میدهد، و همچنین با ارضا کردن نیازهای جنسی مرد، که او را از وسوسه های جنسی باز میدارد. (37).

و قتی پیامبری این قدر زن ستیز است، این قدر زنان را تحقیر میکند، این قدر ایمان آنها را و عقلشان را ناقص میداند، این قدر از حقوق آنها میگیرد و جایگاه آنها را تا قلیل میدهد، آیا ما میتوانیم انتظاری بیش از این از پیروان او داشته باشیم؟ زنان مسلمان تا زمانیکه محمد را بعنوان راهنمای روحانی خود انتخاب کرده اند هرگز از قید این حقاقت آزاد نخواهند شد. اگر زنان مسلمان به گفتار من باور ندارند، باید به گفتار پیامبرشان باور داشته باشند که گفته است:

رسول الله گفت: "بسیاری از مردان به مرحله لعل رسیدند، اما هیچ زنی به مرحله لعل نرسید، به غیر از آسیه زن فرعون و مریم دختر عمران". (38).

نتیجه گیری.

پرداختن به جزئیات در مورد تمامی این موارد نیازمند نوشتن یک کتاب کامل است. دادستان گمان میکند که مدارک کافی را به هیئت محترم جوری ارائه کرده است تا زن ستیزی، سوء استفاده از حقوق زنان و لعل دار کردن نام نیمی از جمعیت بشری را در مورد متهم اثبات کرده باشد. (39).

بخاطر این تبعیض وحشتناک و زن ستیزی زنان مسلمان توسط مسلمانان مورد سوء استفاده قرار گرفته اند و به آنها اجازه داده نشده است که به اندازه توانائیشان پیشرفت کنند. زنان مورد تحقیر، تبعیض، تجاوز، بی شرافتی، و تمام انواع سوء استفاده های ممل فیزیکی، روحی و جنسی قرار گرفته اند و قادر نبوده اند که برای حقوق از دست رفته شان بجنگند. در نتیجه جهان مسلمان رو به زوال و پشیمانی رفت، زیرا که نصف جمعیتش که زنان باشند از آزادی و وارستگی منع شده بودند. زنان مسلمان نمیتوانستند در اجتماع نقشی داشته باشند و به پیشرفت آن خدمت کنند.

به زنان اجازه تحصیل داده نمیشد زیرا آموزش برای آنها غیر ضروری دانسته میشد. زنان تحصیل نکرده نادان هستند و احترام به نفسی ندارند. این زنان پسرانی را پروراندند و احساسات تحقیر شده خود را در آنها انعکاس دادند. این فرزندان بی احترامی به نفس را از مادرانشان به ارث میبرند و جامعه اسلامی

را با نارسایی و ناشایستگی اله ناشی از مبارزه با دیو درون خود است، دیو ترس، ضربه، غرور و تحقیر، تشالیل میدهند. سر انجام به همین ترتیب جامعه اسلامی غوطه ور در تاریالی و جهل، ع قده ح قارت و دیلاتاتوری شد. دلاتر مهاتیر، نخست وزیر قبلی مالزی این احساس را بگونه ای فصیح و شیوا در دهمین گردهمایی سازمان النفرانس اسلامی بیان لرده است، او گفت:

"همه ما مسلمان هستیم. ما تحقیر شدیه ایم، ما ذلیل شده ایم."

این عبارت به خوبی نشان میدهند اله یلا مسلمان چگونه احساسی دارد. این احساس تحقیر البته بر خلاف آنچه دلاتر مهاتیر به خطا گفته است به دلیل قدرت و غلبه صهیونیستها بر مسلمانان توسط لقتل از راه دور نیست، بلکه به دلیل سوء استفاده از زنان در تمامی جوامع اسلامی است.

البته تمام لسانی اله احترام به نفس ندارند، به اندازه ای قدرت نمی یابند تا به دیلاتاتورهایی همچون صدام حسین، اسامه بن لادن یا حسن صباح تبدیل شوند، اما این مشال ح قارت روان او را در برگرفته است و بدون توجه به اینله در لدام جایگاه اجتماعی قرار دارد او یلا دیلاتاتور لوچ ل هست. او قدرت میجوید، او میخواهد خود را بر دیگران مسلط لند تا به جهان ثابت لند اله لسی است. او در مورد خویشتن از ارزش تهی گشته خویش لند او است. او برای شناخته شدن تلاش میلند و از نادیده گرفته شدن ترس دارد. او احساس میلند اله رها شده است، تحقیر شده است و قربانی گشته است. از همین رو بدنیا ل انتقام گیری است. این وا قعیت را نیز میتوان در گفتار دلاتر مهاتیر دید، اله به مسلمانان میگوید تا "تفنگ و موشلا، بمب و هواپیمای جنگی، تانلا و آلات جنگی" بدست بیاورند، بلکه بتوانند ح قو قشان را از تحقیر لندگان و دشمنانشان بگیرند.

نخست وزیر درست میگوید! مردان مسلمان ذلیل گشته اند و مورد تحقیر و اق شده اند. اما ح قیقت این است اله تحقیر آنها ارتباطی به یهودیان ندارد. این به شیوه ای اله آنها با آن پرورش یافته اند ارتباط دارد، به این ارتباط دارد اله مادران مسلمانان چگونه پرورش یافته اند، و به این ارتباط دارد اله اسلام چگونه با زنان رفتار میلند. زنانی اله احترامی برای خود ندارند نمیتوانند پسرانی با احترام به نفس بالا را پرورش دهند. چیزی اله حاصل میشود مردانی است اله نفسشان مدفون شده است، لسانی اله قدرت و شناخته شدن را میجویند تا بر ع قده های ح قارت خود غلبه لند. آیا هیچ شگفتی در این وجود دارد اله مادر اسامه بن لادن آخرین زن مورد علاقه پدرش در میان زنان مختلف او بوده است؟ اسامه توسط مادری اله احترام به نفس بسیار پابینی داشت پرورش یافته بود و احساس ح قارت او را به ارث برده است. امروز اسامه تلاش میلند علیه خود تحقیر شده اش بجنگد، تا به قهرمانی برای مسلمانانی اله اعمال تروریستی او را تشویق میلند تبدیل شود.

مردانی اله احترام به نفس پابینی دارند بسیار خطرناک هستند. لی هاروی اسوالد (Lee Harvey Oswald) جان اف لندی را تنها به دلیل اینله به خودش اثبات لند اله شخصی مهم است و میتواند لارهای بزرگی انجام دهد لشت. تمامی چیزی اله این انسانهای تحقیر شده میخواهند نشان دهند این است اله خود را اثبات لند، حتی اگر شده با ترور و سوء قصد به جان انسانهای بیگناه. آن لسانی اله لشتار یازده سپتامبر را براه انداختند و لسانی اله به لمرشان بمب میبندند و خودشان و دیگران را میلند تا شهید شوند، از بی ارزش شدن خویشتنشان رنج میبرند. فلر اینله آنها به قهرمان تبدیل میشوند، تصاویرشان در روزنامه ها چاپ شود و بعنوان جوانانی اله ارزشی برای لمرشان قائل نیستند برای آنها هیجان انگیز و دلپذیر است. این افراد و قتی زنده هستند هیچ لس نیستند، اما بعد از مرگشان به قهرمانان و شهدا تبدیل میشوند. تلاش برای افتخار و شهرت در مورد مردی اله فلر میلند هیچ چیز جز شالستی بزرگ نیست، اجتناب ناپذیر است.

پ پیامبر خود منتخب عربستان هرگز تصور نمیلرد اله جنون او در لقتل زنانش روزی مملان است جهان را به پرتگاه نابودی بلشاند، انگار چنین مسئله ای برای ناریسیست و شخصی خود شیفته و از خود راضی همچون محمد ذره ای اهمیت داشته است.

دادستان قاضای معلومیت لامل متهم، آ قای محمد بن عبدالله را برای گرفتن ح قو ق زنان از آنها، تقلیل جایگاه آنها به حد اموال و احشام مردان، و بنابر این حیات بخشیدن به جامعه ای روانپیش اله در آن انسانها با زخم های روانی درونی پرورش می یابند، و خودخواه و زن ستیز میشوند و نمیتوانند در همزیستی با جهانی اله در آن برابری وجود دارد بگونه ای شاد، مثبت و خرسند زندگی لند، را دارد. مسلمانان در ارتباط با همسرانشان و لودلانشان لامل شالست

میخورند مگر این‌لله روابطشان بر مرد سالاری مبتنی باشد. در جامعه شلست میخورند مگر این‌لله جامعه آنها دیلاتاتوری باشد. مسلمانان در دوری بینهایت از سوء استفاده، تجاوز، تدقیر و دیلاتاتوری زندگی می‌لندند. مردان لویج لی لله در درونشان ضربه خورده اند، زیرا نیازهای عاطفی آنها توسط مادرانشان لله همان نیازهای روحی در وجود آنها نیز سرلوب شده است اشباع نشده است. این مردان لله ن قابهای انلار را به چهره دارند و با پرطمطراقی روان زخمی خود را مخفی می‌لندند. برای خود به دلیل این‌لله در حال انفجار هستند خطرناک هستند، و در مقیاسی بزرگ‌تر، خطری هستند برای تمام جهان.

در میان تمامی اتهاماتی لله بر متهم وارد است، تمام قتل‌هایش، غارتگری‌هایش، تجاوزهایش، لود آزاری است، برده داری و نسل کشی اش، این اتهام از سایر اتهام‌هایش آسیب رسانتر بوده است. زن ستیزی برای مسلمانان از هر چیز دیگری ویران کننده تر بوده است. هرچند لله قربانی مستقیم زن ستیزی مسلماً زنان بوده اند، آسیبی لله زن ستیزی به بار آورده است متوجه تلات و تمام پیروان محمد میشود. زن ستیزی باعث شده است جامعه ای بیمار متشکل از انسانهای ترسو، خودخواه، مغرور، خود محور، خشن، عصبی، همیشه متفرد و ستیزه جو "تلاتمل" یابند.

من هیئت جوری را فرامی‌خوانم به این‌لله به اتفاق و به شدت متهم را محلولم به زن ستیزی بلندند. زن ستیزی جنایتی علیه بشریت است.

برای مطرح لردن پرسشها، شبهات، و یا دفاع از پیامبر اسلام [اینجا](#) را لید لندید.

منابع.

[1] http://anwary-islam.com/battle/ghazwah_uhud.htm

[2] صحیح بخاری پوشینه 3، لاتب 43، شماره 648

[3] صحیح بخاری جلد اول لاتب 8 ام شماره 395

[4] قرآن، 33:30

[5] قرآن، 33:32

[6] Qurna، 4:34 قرآن 2:228

[8] صحیح بخاری پوشینه 2، کتاب 18، شماره 161

[9] قرآن، 4:34

[10] Razi, At-tafsir al-Kabir, on Q. 4:34

[11] صحیح مسلم کتاب 11، شماره 2135

[12] [صحیح بخاری پوشینه 1، کتاب 6، شماره 301](#)

[13] قرآن: [30.21](#)

[14] [صحیح بخاری پوشینه 4، کتاب 54، شماره 460](#).

[15] نقل شده در، سروش عبداللیم، فربه تر از ایدئولوژی، انتشارات سراج، تهران، 1373 شمسی.

[16] [صحیح مسلم کتاب 008، شماره 3367](#):

[17] [صحیح بخاری پوشینه 7، کتاب 62، شماره 122](#)

[18] Mishkat al-Masabih, English translation, book I, Section 'Duties of husband and wife', Hadith No. 61

[19] Kanz-el-Ummal, Vol. 22, Hadith No. 858. See also Ihy'a

[20] The World book Dictionary

'Uloum ed-Din by Ghazali, Dar al-Kotob al-'Elmeyah, Beirut, Vol II, Kitab Adab al-Nikah, p. 65'

[21] Ihy'a 'Uloum ed-Din by Ghazali, Dar al-Kotob al-'Elmeyah, Beirut, Vol II, Kitab Adab al-Nikah, p. 65. Reported by Tirmizi as a true

and good Ahadith

[22] Ihy'a 'Uloum ed-Din by Ghazali, Dar al-Kotob al-'Elmeyah, Beirut, Vol II, Kitab Adab al-Nikah, p. 65. Reported by Tirmizi as a true

and good Ahadith

[23] (Ibn Katheer vl.1, pg.498)

[24] Al-Musanaf by Abu Bakr Ahmad Ibn 'Abd Allah Ibn Mousa Al-Kanadi who lived 557H., Vol. 1 Part 2, p. 263. See also Ihy'a

'Uloum ed-Din by Ghazali, Dar al-Kotob al-'Elmeyah, Beirut, Vol II, Kitab Adab al-Nikah, p. 52

[25] Ihy'a 'Uloum ed-Din by Ghazali, Dar al-Kotob al-'Elmeyah, Beirut, Vol II, Kitab Adab al-Nikah, p. 34

[26] [صحیح بخاری پوشینه 7، کتاب 62، شماره 33](#)

[27] [صحیح مسلم کتاب 008، شماره 3466](#)

[28] [کتاب 008، شماره 3240](#)

[29] [پوشینه 9، کتاب 88، شماره 219](#)

[30] [\(صحیح بخاری 2،194\) صحیح مسلم کتاب 004، شماره 1032](#)

[32] [صحیح بخاری پوشینه 9، کتاب 87، شماره 163](#)

[33] [صحیح بخاری پوشینه 7، کتاب 62، شماره 33](#)

[34] Razi, At-tafsir al-kabir, commenting on Q. 4:3

[35] مشاهه المصابیح، تالیت در مورد لودان، کتاب، حدیث شماره 1، 43.

[36] Ihya' 'Uloum ed-Din by Ghazali, Dar al-Kotob al-'Elmeyah, Beirut, vol. II, Kitab Adab al-Nikah, p. 45

[37] Ibid., p. 35

[38] [صحیح بخاری پوشینه 4، کتاب 55، شماره 623](#)

[39] برای اطلاعات بیشتر در مورد زنان به کتابی از ابوالقاسم لله در [اینجا](#) قرار دارد مراجعه کنید. همچنین به نوشتاری لله در [اینجا](#) نوشته شده است مراجعه کنید.

منبع +

توسط دکتر علی سینا

[31]

کاری که محمد کرده بود مانند این است که امروز کسی ادعای پیامبری کند و رانندگی در حال مستی را غیر قانونی کند. آیا این قانون، قانونی فوق العاده و بسیار تازه و شگفت انگیز خواهد بود؟

أَتَى شَيْئُهُمُ به این معنی است که مرد میتواند از هر سوراخی بر زن وارد شود. این آیه باعث شد که در نظر مسلمانان، زنان هیچ نباشند مگر اسباب بازی هایی برای ارضای جنسی مردان.

Amina Lawal

(را بیاد آورد که توسط دادگاه های شریعت نیجریه محکوم شده بود تا به محض اینکه بچه اش متولد شود سنگسار شود. پدر فرزند متهم به تجاوز نشد زیرا شاهی برای شهادت در دادگاه پیدا نشد. این پرونده بر انظار عمومی آشکار شد اما در طول تاریخ موارد متعدد مشابهی اتفاق افتاده و می افتد و کسی از آن آگاه نمیشود.

انتشار یک نوشتار بر روی زندیق به معنی تایید محتوای آن نوشتار نیست بلکه تنها به معنی سودمند بودن آن نوشتار در نظر زندیق است. آنچه روی زندیق منتشر میشود لزوماً کامل نیستند و زندیق تفکر نقادانه نسبت به محتویات خود را تشویق میکند. مسئولیت تمامی محتویات نوشتارهای زندیق بر عهده نگارندگان آن است و زندیق از انتشار آزادانه مطالب خود استقبال میکند. نشر و مرور مطالب زندیق در برخی از کشورها ممکن است بر خلاف قوانین حاکم بر آن کشورها باشد و زندیق هیچ نوع مسئولیتی در این قبال ندارد.